



Research Article

Vol 15, Issue 2, Autumn -Winter 2025, Ser 30, PP: 23-40

Title: **The Phallogentric Adventure of Ahmad: A Psychoanalytic Reading of *The Story of Ahmad and the Clock***

Authors: **Amin Izadpanah*** 

Abstract: Children's literature criticism arises from the dynamic interplay between theoretical frameworks and the content of children's literary works. This reciprocal relationship implies that theories influence the text, and the text, in turn, informs the theories. Classic psychoanalysis, pioneered by Freud, has been intertwined with literary works from its inception. Freud, credited as the founder of psychoanalysis, laid the groundwork for psychoanalytic literary criticism through his exploration of psychological aspects in literary texts (Freud, 1961: 83). When applying psychoanalytic criticism to children's literature, it implicitly acknowledges a perpetual engagement with childhood. Jacqueline Rose (1992) aptly describes childhood as a distinct developmental phase concluding with conscious and logical self-awareness in adulthood. In this article, the focal point is the interplay between theory and text, with classical psychoanalytic theory, particularly Freud's psychosexual development terminology, serving as the theoretical framework for interpreting the selected children's literary work, *The Story of Ahmad and the Clock*, authored by Fereshteh Ta'erpour and illustrated by Mehrnoush Masoumian. Through a psychoanalytic lens, I aim to illustrate how seemingly straightforward children's literature can harbor complexity and surprises in its underlying layers. Furthermore, I intend to highlight how specific examples of children's literature reflect distinct gender constructs. While the text analysis is theoretically rooted in Freud's psychosexual development theory, it is crucial to recognize, as Hollands (1968) suggests, that we all bring a selective reading to literature. Unconsciously projecting our fantasies onto the text, we reshape it based on our identities and characteristics, a phenomenon applicable to psychoanalytic literary criticism as well (Hollands, 1968: 12).

Key words: *The Story of Ahmad and the Clock*, Freud, psychosexual development, classical psychoanalysis, picturebooks.

Received: 2023-08-14

Accepted: 2024-01-16

* Assistant Prof in Philosophy of education of Shiraz University, Shiraz, Iran.
aizadpanah@shirazu.ac.ir.

DOI: 10.22099/JCLS.2024.47988.1999



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.




مقاله‌ی علمی پژوهشی، دوفصلنامه، سال ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳،

شماره‌ی دوم، پیاپی ۳۰، صص ۲۳-۴۰



ماجرای فالوستریک احمد: خوانشی روان کاوانه از کتاب داستانی تصویری ماجرای احمد و ساعت

امین ایزدپناه *  ID

چکیده

هدف این مقاله ارائه‌ی خوانشی روانکاوانه از کتاب تصویری ماجرای احمد و ساعت، مبتنی بر نظریه رشد روانی جنسی زیگموند فروید است. خوانش متن اثر به یاری روانکاوی کلاسیک، نمادها و شواهدی را پیش چشم می‌آورد که نشان می‌دهند با اثری نرآندام محور روبه‌رویم که در آن روند مطلوب اجتماعی و بهنجارشدن یک پسر بچه بازنمایی شده است. احمد، شخصیت اصلی داستان، در مرحله‌ی آلتی یا فالیک رشد خود قرار دارد، ولی زمان آن رسیده که تعارض‌های اودیپی‌اش حل و فصل شوند و با پذیرش اقتدار پدر، آماده‌ی ورود به مرحله‌ی نهفتگی رشد روانی جنسی‌اش شود. اعتبار و کارکرد زمان و ضرورت پابندی به قواعد تغییرناپذیر آن یکی دیگر از یافته‌های دیدار نظریه و متن در این اثر است. افزون‌بر این، خوانشی این چنین از اثر بررسی شده نشان می‌دهد که چگونه برخی آثار ادبیات کودکان شکل خاصی از کودک خوب را ترویج کرده و همچنین تصویری از کودک مبتنی بر ارزش‌های مردم‌محور را بازتولید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: رشد روانی جنسی، روانکاوی کلاسیک، فروید، کتاب داستانی تصویری، ماجرای احمد و ساعت.

۱. مقدمه

رادریک مگیلیس (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «نقد، نظریه ادبیات است، نظریه نقد ادبیات است» با تأکید بر گریزناپذیربودن نظریه، معتقد است نظریه به ما می‌آموزد که سادگی ظاهری امور، از جمله سادگی ظاهری ادبیات کودک، ناشی از ناکافیبودن دقت نظر ما درباره‌ی آن‌هاست. بنابراین، نقد ادبیات و ادبیات کودک نمی‌تواند بدون شالوده‌ای نظری محقق

* استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز، شیراز، ایران aizadpanah@shirazu.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۳

DOI: 10.22099/JCLS.2024.47988.1999

شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۰۶۱۶



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

شود و به‌کاربردن نظریه، خود عملی نقادانه است. او از یک‌سو یادآوری می‌کند که ادبیات کودک همانند هر نظام ارتباطی با دیگر نظام‌ها در ارتباط است و از سوی دیگر، به پیروی از پیر بوردیو، نظریه را میدانی^۱ می‌داند که به میدان‌های دیگر برای نظرافکندن و تفسیر نیاز دارد (مگیلیس، ۱۳۹۵: ۱۵۳). مگیلیس ضمن رازآمیز معرفی کردن ارتباط میان دانش، نظریه و عمل نقد، این رازگونه‌گی را آغاز راه کاوش و کشف دوباره می‌داند (همان: ۱۶۵). او نقد و نظریه را با کودکی هم بی‌ارتباط نمی‌داند و می‌گوید «ذهن نظری^۲، ذهنی آفرینش‌گر است. به تعبیری، نظریه کاوش‌گر و ماجراجو است و به مدد این ماجراجویی شبیه دنیای با نشاطی است که آن را با کودکی هم‌پسته می‌دانیم» (همان: ۱۵۰). با این اوصاف می‌توان گفت نقد ادبیات کودک برآیند برهم‌کنش نظریه و متن ادبیات کودک است؛ یعنی هم نظریه به متن نظر می‌افکند و هم متن به نظریه. البته طبیعی است اینکه چه نظریه‌ای را برای نظرافکندن به متن برگزینیم، برهم‌کنش‌های مختلفی را در پی خواهد داشت. در این نوشتار برای بررسی این برهم‌کنش متن و نظریه، نظریه‌ی روانکاوی کلاسیک فروید را برای نظرافکندن یا بهتر بگویم دیدار با متن ادبیات کودک، برگزیده‌ام. انتخاب این دیدگاه نظری به دو دلیل است؛ یکی علاقه شخصی به تحلیل‌های روانکاوانه متون و دوم اشتیاق کشف برهم‌کنشی که این دیدگاه نظری در هنگام خوانش متن برمی‌انگیزد. البته زمانی می‌توان نظریه‌ای را بر متنی به کار برد که متن نیز آن را بطلبد؛ یعنی به چنین تحلیلی تن دهد. روانکاوی کلاسیک از آغاز با متن ادبی پیوند داشته است و فروید را که بنیان‌گذار روان‌کاوی بود، به‌دلیل پژوهش‌های روان‌کاوانه‌اش در متون ادبی، به‌نوعی آغازگر نقد روان‌کاوانه نیز می‌دانند. او معتقد بود بر اثر والایش^۱، امکان پیدایش هنر، علم، ادبیات و فعالیت‌های روانی سطح بالاتر فراهم می‌شود و این یکی از ویژگی‌های بارز رشد فرهنگی است (رک. Freud, 1961: 83). در واقع، ادبیات و دیگر هنرها نزد فروید، ارضای خیالی^۳ تمناهایی^۴ هستند که پیش‌تر از سوی استانداردهای اجتماعی، اخلاقی و واقعیت‌ها انکار و به ناخودآگاه هنرمند واپس‌رانده شده‌اند، اما فرصت یافته‌اند با صورتی تغییر یافته ارضاشوند (رک. Abrams, 1993: 264). به همین دلیل، تحلیل روان‌کاوانه و نیز ادبیات، ما را تشویق می‌کنند تا به فراتر از روساخت متن و ظاهر زبان بیندیشیم و معناهای گوناگون احتمالی‌اش را بکاویم (رک. Rollin & West, 2008: 2).

نفوذ و اثرگذاری روانکاوی کلاسیک هیچ‌گاه از میان نرفته و نظریه‌های جنسیت، نظریه‌ی فمینیستی و نظریه‌ی کوئیر بازتابی از پایایی نفوذ روانکاوی هستند. این نظریه‌ها به‌دلیل میل‌شان در به‌پرسش کشیدن برساخت جنسیت، بسیار به کار منتقدان ادبیات کودک می‌آیند. روانکاوی برای مدت‌ها همچون راهی بود برای توجیه وجود داستان‌های کودکانه به‌عنوان ابزار ترغیب کودکان به داشتن «خویش‌تنی مسئول»^۵ (Kidd, 2011: 16) یا به‌عبارت دیگر راهی برای آمادگی پذیرش هنجارها و جای‌گرفتن در نظم اجتماعی مطلوب بزرگسالان. از جمله تلویح‌های کاربرد نقد روان‌کاوانه در زمینه ادبیات کودک این است که ما همواره با کودکی درگیریم و کودکی چیزی نیست که بتوانیم رهاش کنیم یا پشت سر بگذاریم. به بیان ژاکلین رز کودکی بخشی از روند مشخص رشد است که به ضمیر خودآگاه یک‌دست و منطقی بزرگ‌سالی ختم می‌شود (رک. رز، ۱۴۰۰: ۱۷۷-۱۷۸).

¹ field

² Theoretical mind

³ Imagined fulfilment

⁴ desire

⁵ responsible selfhood

ماجرای احمد و ساعت، نوشته‌ی فرشته طائرپور و تصویرگری مهرنوش معصومیان متنی است که برای نظرافکندن بدان، چشم‌انداز روانکاوی را برگزیده‌ام. این اثر نخستین بار در سال ۱۳۶۵ از سوی کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان با شمارگان درخور توجهی منتشر شده و در سال ۱۳۹۱ نیز نسخه‌ای به زبان انگلیسی از آن انتشار یافته است. طی این سال‌ها این اثر بارها تجدید چاپ شده است و شمارگان آن اکنون به چند صد هزار نسخه می‌رسد. با بررسی این کتاب تصویری به یاری روانکاوی کلاسیک می‌خواهم نشان دهم چگونه گاه یک متن ادبیات کودک می‌تواند برخلاف ظاهر ساده و خطی‌اش در لایه‌های زیرین بسیار پیچیده و غافلگیرکننده باشد. همچنین می‌خواهم نشان‌دهم چگونه برخی نمونه‌های ادبیات کودک معنا و برساخت خاصی از جنسیت را بازتاب داده و حمایت می‌کنند. مفاهیم کلیدی نظریه‌ی رشد روانی جنسی^۱ فروید، مبنا و روشن‌گر راه خوانش بوده است. البته همان‌طور که هالندز می‌گوید، همه‌ی ما خوانشی گزینشی از ادبیات داریم و فانتزی‌های خود را ناخودآگاه به درون متن فرامی‌فکنیم و مناسب هویت‌ها و ویژگی‌های خودمان آن را شکلی جدید می‌بخشیم؛ این مسأله درباره‌ی نقد ادبی روان کاوانه نیز صدق می‌کند (رک. Hollands, 1968: 12). به کمک مفاهیم نظریه‌ی روانکاوی کلاسیک، جدا از تحلیل شخصیت اصلی اثر و نشانه‌های متنی و تصویری دال بر تعارض اودیپی او، مردانه‌بودن و نرآندام‌محور بودن این متن را آشکار خواهم کرد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های بررسی آثار ادبیات کودک در پرتوی روانکاوی کلاسیک کتاب کاربردهای افسون: معنا و اهمیت قصه‌های پریان (۱۹۷۶)، نوشته برونو بتلهایم است که با نام افسون/افسانه‌ها به فارسی ترجمه شده است. بتلهایم در این کتاب به بررسی چند قصه‌ی مشهور در چارچوب مفاهیم و واژگان روانکاوی فروید می‌پردازد. برای نمونه، او در تحلیل قصه هانسل و گرتل از مفهوم‌های مثل مرحله‌ی دهانی و تثبیت دهانی^۲ استفاده می‌کند یا از مفهوم عقده اودیپ برای تحلیل شئل قرمزی و تمایلات او نسبت به شخصیت گرگ که از نظر بتلهایم نمادی از پدر است، بهره می‌برد (رک. Bettelheim, 2010). او همچنین همین مفهوم و مفهوم حسادت را در تحلیل سیندرلا و توضیح احساس شخصیت اصلی داستان به والد همجنس و تلاش برای رهایی از شر او به‌کار می‌برد (همان). رولین نیز روانکاوی فروید را برای تحلیل سه‌گانه موریس سنداک^۳ به‌کار برده و برای نمونه، با تکیه بر تفسیر رؤیای فروید، رفتار مکس با وحشی‌ها در سفر به سرزمین وحشی‌ها (۱۹۶۳) را فرافکنی^۳ خشم او می‌داند (رک. Rollin, 2008). همچنین رولین یکی از وحشی‌ها را که برخلاف بقیه پاهای انسانی دارد، بازتاب پدر یا حتی خود مکس که از مادر عصبانی است، می‌داند. رولین همچنین کتاب بیرون آنجا (۱۹۸۱) را نیز محمل بازتاب تمایلات اودیپی آیدا (شخصیت اصلی داستان) به پدرش که به سفر رفته می‌داند. رولین از سوی دیگر کارکرد نقش مادر (منبع اقتداری که به‌عنوان نماینده جامعه، آزادی جنسی دختر را پس از شکل‌گیری عقده اودیپ محدود می‌کند) را در این اثر بررسی می‌کند. وست (۲۰۰۸) با استفاده از دو اصل لذت و واقعیت در نظریه‌ی روانکاوی فروید، داستان پینوکیوی کارلو کودی را

¹ Psychosexual Development

² oral fixation

³ projection

سفر یا سیر تحول کودکی می‌داند که پیروی از اصل واقعیت را جایگزین پیروی از اصل لذت می‌کند؛ یا به تعبیر دیگر «من» یا «ایگوی» او در برابر نهادش قوی‌تر می‌شود (رک. West, 2008). گودینگ با بررسی روانکاوانه رمان کورالین (Coraline) به پیروی از روش بتلهایم استدلال می‌کند که این رمان ممکن است نوعی آمادگی برای زندگی بزرگ‌سالی فراهم کند؛ یعنی همان چیزی که بتلهایم زمانی برای افسانه‌ها تصور می‌کرد (رک. Gooding, 2008). راد نیز بر مبنای مفهوم غریب‌آشنا (Uncanny) از فروید، امر واقعی و امر خیالی از لکان و مفهوم امر آلوده (Abject) از کریستوا رمان کورالین را بررسی کرده تا جاذبه و درعین‌حال وحشت و تشویش غیرعادی آن را توضیح دهد (رک. Rudd, 2008). باکلی با نقد تحلیل‌های روانکاوانه پیشین از کورالین، این رمان را بستری برای درگیر شدن با روانکاوی پساساختارگرا می‌داند (رک. Buckley, 2015). رادریک مگیلیس شعر کودکانه‌ای با چهار سطر را از نگاه فرویدی و لکانی واکاوی می‌کند و با مجازدانستن چنین خوانشی از متن ادبیات کودک که آن را نوعی ردیابی امیال مهارشده می‌داند، می‌گوید امکان خوانش‌های گوناگون از متن ادبی و خواننده‌ی فعال بودن باعث لذت می‌شود (رک. McGillis, 1998). برای پیشینه‌ی پژوهشی داخلی نیز به دو نمونه می‌توان اشاره کرد. یکی، واعظی‌دهنوی و دیگران (۱۳۹۶) که مفاهیمی چون اصل واقعیت و لذت، عقده‌ی ادیپ و عناصر سه‌گانه‌ی ساختار ذهن را به روش بتلهایم در افسانه «دژ هوش‌ربا» کاویده‌اند و دیگری حسینی و عظیمی (۱۳۹۵) که آن‌ها نیز هفت قصه پریان را به همان روش بتلهایم بررسی کرده و روش او را به افسانه‌های ایرانی تعمیم‌پذیر دانسته‌اند. چنانچه از این پیشینه پیداست، جدا از انگشت‌شمار بودن پژوهش‌های مرتبط، تا کنون کتاب داستانی‌تصویری ایرانی به شیوه‌ی روانکاوی کلاسیک بررسی نشده است.

۳. مبنای نظری

توضیح مختصر چند مفهوم کلیدی نظریه‌ی رشد روانی جنسی فروید می‌تواند مسیر ورود به تحلیل اثر و بحث درباره‌ی آن را برای کسانی که با این مفاهیم آشنایی کمتری دارند، هموارتر کند. البته در خلال تحلیل متن، مفاهیم دیگری را نیز برحسب نیاز در تحلیل اثر به‌کار برده‌ام.

۳.۱. مراحل رشد روانی جنسی

فروید معتقد بود هر فرد طی سال‌های اولیه زندگی خود از پنج مرحله‌ی رشد می‌گذرد و وقایع این دوران بر شخصیت او تأثیر می‌گذارد. او این دوره‌ها را مراحل روانی-جنسی^۱ نامید. بنابر نظریه فروید، رانه‌ی جنسی یا لیبیدو^۲ در هر یک از این مراحل در بخش خاصی از بدن که ناحیه‌ی لذت‌زا یا ناحیه‌ی اروژنی^۳ نام دارد متمرکز است. در نخستین مرحله، یعنی مرحله‌ی دهانی^۴ (تولد تا دوازده‌ماهگی) نوزاد از پرستاری، مراقبت و مکیدن لذت می‌برد. در مرحله‌ی دوم، یعنی مرحله‌ی مقعدی^۵ (یک تا سه‌سالگی) که کودک برای اولین بار کنترل تحمیلی را تجربه می‌کند، از نگاه‌داشتن یا دفع

¹ Psychosexual stages

² Libido

³ Erogenous zone

⁴ Oral stage

⁵ Anal stage

مدفوع رضایت خاطر می‌یابد. در مرحله‌ی سوم، یعنی مرحله‌ی آلتی^۱، (سال چهارم و پنجم زندگی)، کودک متوجه آلت تناسلی خود می‌شود و ضمن مشاهده‌ی تفاوت‌های جنسی خود با جنس مخالف ممکن است تمایلات جنسی خود را در حال بیداری معطوف والد جنس مخالف خود نماید. فروید در «سه جستار در باب نظریه جنسیت»^۲ از این بحث می‌کند که چگونه پسران در مرحله‌ی آلتی / فالیک ممکن است به آلت تناسلی خود به‌عنوان منبع لذت و کنجکاوی تثبیت شوند (رک. Freud, 1905). برای پسران کنجکاوی، نمایش و لمس اندام جنسی در این مرحله‌ی راهی است برای کشف بدن خود و اثبات مردانگی‌شان. به عقیده‌ی فروید، این مرحله‌ی در شکل‌گیری هویت جنسی پسر و رشد فراخود که معرف معیارها و ارزش‌های اخلاقی درونی‌شده جامعه است، حیاتی است. مرحله‌ی چهارم، یعنی مرحله‌ی نهفتگی^۳، به دنبال پایان مرحله‌ی آلتی می‌آید، یعنی از شش‌سالگی تا زمان بلوغ و در آن تحول جنسی دچار رکود می‌شود (رک. Freud, 1969: 10). طی این مرحله، کودک کمتر به آلت خود توجه دارد و بیشتر متوجه کسب مهارت‌هایی است که برای سازگاری او با محیط ضروری است. آخرین مرحله، یعنی مرحله‌ی جنسی یا تناسلی^۴، در دوره‌ی نوجوانی آغاز می‌شود و در آن علاقه‌های فرد معطوف دیگران می‌شود و عشق و محبت را در این مرحله به‌صورت پخته‌تری تجربه می‌کند. فروید معتقد بود بروز مشکلات خاصی در هر یک از دوره‌ها موجب توقف یا تثبیت^۵ رشد می‌شود و آثار پایداری در شخص به جای می‌گذارد (رک. اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۶).

۲.۳. ساختار ذهن

فروید الگویی ساختاری از شخصیت با سه جزء به وجود آورد و آن‌ها را نهاد^۶، خود^۷ و فراخود^۸ نامید. نهاد هنگام تولد انسان حضور دارد، دربرگیرنده‌ی غریزه‌هاست و در ضمیر ناهشیار عمل می‌کند. نهاد اساسی‌ترین جنبه‌ی شخصیت است و مانند کودکی نازپرورده عمل می‌کند، زیرا خواهان ارضای فوری امیالش است. نهاد را مظهر اصل لذت^۹ می‌دانند و به‌عنوان مخزن غرایز، هم‌چنین مخزن خاطرات سرکوب‌شده نیز هست. نوزاد سراپا نهاد است ولی اگر زندگی در این سطح ابتدایی کاملاً رضایت‌بخش بود، نیازی به رشد شخصیت نبود (رک. شولتز، ۱۳۸۲: ۲۶۶-۲۶۷). با اینکه نهاد ناکامی را بر نمی‌تابد ولی ناچار است بدان تن دردهد تا رشد یابد. از طرفی این رشد برای کنترل دامنه‌ی امیال نهاد نیز ضروری است. جزء دیگر این ساختار سه‌گانه، «خود» است؛ خود از تکامل نهاد در اثر تماس با واقعیت‌های دنیای خارج شکل می‌گیرد و واقع‌گرا است. خود درباره‌ی برآورده‌ساختن خواهش‌های نهاد یا به عقب انداختن آن تا زمان مناسب، تصمیم می‌گیرد و به‌همین خاطر بین خود و فراخود تعارض وجود دارد. جزء سوم یا همان فراخود، تجسم ارزش‌های پدر و مادر و جامعه است که سرچشمه‌ی پاداش و تنبیه هستند. فراخود کمال‌گراست و سه کار هم‌زمان

¹ Genital/Phallic stage

² *Three Essays on the Theory of Sexuality*

³ Latency period

⁴ Sexual stage

⁵ Fixation

⁶ Id

⁷ ego

⁸ superego

⁹ Pleasure principle

انجام می‌دهد: یک، می‌کوشد هر نوع تکانش نهادی را که جامعه نمی‌پسندد، منع کند. دو، «خود» را مجبور می‌کند با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی و نه عقلی، عمل کند. سه، فرد را به سوی کمال در کلام، اندیشه و عمل هدایت کند. با رشد فرد و گسترش فراخود، کار «خود» برای حفظ تعادل بین نهاد، فراخود و واقعیت‌ها سخت‌تر می‌شود (رک. کارور و شی‌یر، ۱۳۸۷: ۳۳۴-۳۴۵). «فراخود» سعی در به‌حاشیه‌راندن نهاد دارد، زیرا «به‌عنوان حاکم اصول اخلاقی، در جستجوی خود برای کمال اخلاقی، بی‌رحم و حتا ظالم است» (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۶۳). چنانچه «خود» موفق شود در برابر وسوسه‌ی انجام کاری که از سوی فراخود ناپسند شمرده می‌شود، مقاومت کند به عزت نفس دست می‌یابد. در کلیه‌ی مراحل بعدی زندگی، «فراخود» بازنمود تأثیر دوره‌ی کودکی و مراقبت و تربیت پدر و مادر است. فراخود بازتاباننده ویژگی‌های پدر و مادر و تمام عواملی است که تأثیر تعیین‌کننده بر پدر و مادر داشته‌اند، یعنی پسندها و معیارهای اجتماعی و نیز تمایلات ذاتی و نژادی‌شان (رک. فروید، ۱۳۸۲: ۷۲).

۳.۳. عقده‌ی ادیپ

در مرحله‌ی آلتی کودکان احساسات و تمایلات جنسی را تجربه می‌کنند که عمدتاً به سمت والدین جنس مخالف است که درباره‌ی پسرها این به معنای جذب‌شدن به سمت مادر و تجربه‌ی رقابت با پدر است. فروید به کمک عقده‌ی ادیپ^۱ نشان می‌دهد که چگونه این امیال سرکوب می‌شوند، چگونه این امیال سرکوب‌شده‌ی ناخودآگاه ما را می‌سازند، چگونه پسران و دختران یاد می‌گیرند ابژه‌های امیال خود را بیرون از خانواده بجویند و به جنس مخالف خود تمایل داشته باشند و چگونه فراخود، اصل واقعیت یا آنچه وجدان می‌خوانیم، شکل می‌یابد (رک. Klages, 2006: 68).

نهاد پسر برای تسهیل اتحاد او با مادرش، می‌خواهد پدر را بکشد (چنان‌که که ادیپ شهریار در تراژدی سوفوکل چنین کرد)، اما خود یا ایگو که در پیروی از اصل واقعیت عمل می‌کند، می‌داند که پدر در این رقابت بر سر تصاحب توجه و وجود مادر قوی‌تر است. تعارض ادیپی^۲ که در مرحله‌ی آلتی در پسران بروز می‌کند، ناشی از همین تقابل میل پسر بچه‌ها به مادر و درعین حال حق پدر به کسب لذت از مادر است. پسر می‌ترسد که پدر با حذف منبع این مشکل، یعنی آلت پسر، رقابت کردن وی را تنبیه کند. این وضعیت، که با مفهوم اضطراب اختگی^۳ معرفی می‌شود، باعث می‌شود که پسر میل خود به مادر و رقابت با پدر را سرکوب کرده و با مقررات پدر همانندسازی کند، به این امید که اگر طبق خواست پدر رفتار کند، می‌تواند از اختگی جلوگیری کند (رک. پروچاسکا و نورکراس، ۱۴۰۱: ۶۴).

انتخاب احلیل (یا همان فالوس) به جای مادر باعث پایان عقده‌ی ادیپ و شکل‌گیری ناخودآگاه می‌شود، یعنی همان جایی که همه‌ی امیال ممنوع که فرصت ابراز نیافته‌اند جمع می‌شوند (رک. Klages, 2006: 71).

¹ Oedipus complex

² Oedipal conflict

³ Castration

۴. یافته‌ها و بحث

۴.۱. پیرنگ داستان

بعد از هفته‌ها انتظار کشیدن، پدر احمد می‌خواهد صبح جمعه او را با خود به کوه ببرد. قرار می‌شود ساعت ۶ صبح بیدار شوند. پدر به احمد نشان می‌دهد که وقتی عقربه‌ها کجا قرار گرفته باشند، ساعت شش است. شب تا صبح احمد در فکر این است که کی ساعت شش می‌شود. از نگاه احمد، انگار عقربه‌ی کوچک ساعت خیلی کند می‌چرخد و او این را دوست ندارد. نیمه‌های شب است، احمد دیگر تاب نمی‌آورد و عقربه‌ی کوچک ساعت را به سمت عدد شش هل می‌دهد و اگرچه مراد خود را می‌یابد، اما با این کار فنر عقربه‌ی کوچک‌تر می‌شکند. بعد از این کار احمد همه را بیدار می‌کند ولی سر صبحانه ناگهان اذان صبح از رادیو پخش می‌شود و دست احمد رو می‌شود. پدر او را دعوا می‌کند و برنامه‌ی کوه رفتن را به هم می‌زند. احمد زیر پتو گریه می‌کند و خودش را بابت کاری که کرده است، سرزنش می‌کند.

۴.۲. زمان، قدرت و اضطراب

مفهوم زمان از دو نظر به نظریه‌ی رشد روانی جنسی فروید مرتبط است: اول توالی زمانی مراحل رشد، زیرا فروید معتقد بود افراد از طریق این مراحل در یک توالی ثابت رشد می‌کنند و هر مرحله براساس مرحله‌ی قبلی است؛ دوم زمان‌بندی هر مرحله و اهمیت حیاتی رعایت این زمان‌بندی سنی در گذر از هر مرحله‌ی رشد به مرحله‌ی بعد. به‌همین دلیل زمان‌بندی تجربیات در طول هر مرحله بسیار مهم است؛ زیرا تعارضات حل نشده یا تثبیت‌ها در یک مرحله می‌تواند پیامدهایی برای مراحل بعدی داشته باشد. گذر از مراحل و زمان‌بندی رشد در واقع جنبه‌های حیاتی زمان در نظریه‌ی رشد روانی جنسی فروید هستند. بنابراین، زمان‌بندی و حل موفقیت‌آمیز تعارضات در هر مرحله تأثیرات ماندگاری بر شخصیت و رفتار فرد دارد.

ماجرای احمد و ساعت آشکارا با مفهوم زمان گره خورده است، این مسأله در عنوان کتاب و رخدادهای آن دیده می‌شود. حکایت کودکی را می‌خوانیم/ می‌بینیم که همچون دیگر کودکان برای دست‌یافتن به خواسته‌اش شکبیا نیست و با کنش [به‌ظاهر] خطایش انتظار را طولانی‌تر هم می‌کند. در نخستین تصویر کتاب، کودکی را می‌بینیم که دست بر زیر چانه روبه‌روی ما نشسته است و از حالت بدن او انتظار و ملالی را که از این انتظار تجربه می‌کند، می‌توان دریافت (تصویر ۱). در دومین بند داستان هم این نارضایتی از صبرکردن پیداست؛ اما نه برای رفتن به کوه، بلکه نارضایتی از اینکه چرا مثل پدرش «قوی و بزرگ» نیست و برای آن باید «خیلی صبر کند». این هم چیز ناآشنایی نیست، تقریباً همه‌ی پسر بچه‌ها می‌خواهند مثل پدران خود بزرگ و قوی باشند، اما در ماجرای احمد و ساعت این میل به همانندی و رقابت با پدر به صورت نمادین هم بازنمایی می‌شود. رقابت احمد و پدرش در صفحه‌ی ساعت و به‌صورت رقابت بین دو عقربه‌ی کوچک و بزرگ که اولی را می‌توان نماینده یا نماد پسر و دومی را نماینده یا نماد پدر دانست، بازتاب یافته است. عقربه‌های ساعت را با توجه به خوانش روانکاوانه‌ی متن می‌توان تصویرسازی نرآندامه (phallic imagery)^(۳) دانست. عقربه‌های ساعت مهم‌ترین نمادهای نرآندامی در تصویرگری کتاب هستند. در دومین تصویر از متن کتاب (تصویر ۲) پدر در حال آموزش و معرفی قواعد زمان و ساعت به احمد است. حالت ایستادن، موقعیت قرارگیری،

سهم از تصویر و همین‌طور چهره‌ی پدر در مقایسه با احمد گویای موقعیت تقابلی و البته نابرابر آن‌ها است. این پدر است که با احاطه‌ی کامل و با انگشت اشاره به صفحه‌ی ساعت اشاره می‌کند و «قانونی» را برای پسر روشن می‌سازد. همین وضعیت در صفحه‌ی ساعت هم دیده می‌شود. عقربه‌ی بزرگ آن بالاست و عقربه‌ی کوچک در سمت مقابل و در پایین صفحه قرار گرفته است. نگاه احمد (که نیم‌رخ‌ی از او به ما ارائه شده)، نه به سوی ساعت، بلکه به سوی پدر است (که سه‌رخ او به ما ارائه شده و همین‌جا هم سهم او در بازنمایی‌اش در تصویرگری این بخش بیشتر از پسر است). در واقع احمد به تعیین‌کننده یا نماینده‌ی قانون زمان نگاه می‌کند و متوجه خود قانون (اینجا زمان) نیست. پیراهن طرح پیچازی پدر در مقایسه با پیراهن گل‌گلی احمد، که حسی سرخوشانه‌تر و رهاتر دارد، را هم نمی‌توان با نسبت میان پدر و پسر بی‌ارتباط دانست. پیراهن پدر، با آن خطوط منظم، یادآور نظم، قانون و انضباط است، همان‌طور که ساعت و زمان با این مفاهیم پیوند خورده‌اند. پدر در این تصویر قدرت مطلق است و سوی نگاه، حالت داستان و به‌طور کلی حضورش تعیین می‌کند که او اینجا چه انتظار و رابطه‌ای با احمد دارد.



تصویر شماره‌ی ۲



تصویر شماره‌ی ۱

چند نشانه مهم در همین درگاه ورود به دنیای متن / تصویر وجود دارد که خوانشی روان‌کاوانه را میسر می‌سازد. یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها در رخدادهای متن عدد شش است. چنان‌که در چارچوب نظری هم آمد، شش‌سالگی مقارن آغاز دوران نهفتگی، رکود غریزه جنسی و تمرکز کودک بر فعالیت‌های مولد و سازنده است. این دوران پس از حل و فصل تعارض‌های اودیپی کودک آغاز می‌شود و پسر بچه‌ها باید در این سن از مرحله فالیک یا آلتی گذشته باشند. ماجرای احمد و ساعت، روایت آن بزنگاهی است که پسر باید سرانجام از مرحله اودیپی گذر کند و نقش پدر در این مرحله از رشد روانی جنسی کودک حیاتی است. به باور فروید، حل و فصل موفقیت‌آمیز درگیری‌های اودیپی زمانی اتفاق می‌افتد که پسر با پدرش هم‌ذات‌پنداری کند. «کودک در چهره‌ی پدر به این درک می‌رسد که شبکه‌ی اجتماعی و خانوادگی گسترده‌تری وجود دارد که او جزئی از آن است و نقشش نیز از قبل مشخص شده است» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۲۲۷). پسر بچه‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و هنجارهای اجتماعی پدر را درونی می‌کنند و فرامن یا سوپرایگو را تشکیل می‌دهند که به‌عنوان یک راهنمای اخلاقی درونی عمل می‌کند. این فرایند شناسایی به پسر کمک می‌کند تا در خود حس هویت جنسیتی ایجاد کند، انتظارات اجتماعی را بیاموزد و بین خواسته‌های خود و خواسته‌های اجتماعی تعادل برقرار کند. نقش پدر در مرحله فالیک، همان‌طور که فروید بیان کرده است، در تسهیل عبور موفقیت‌آمیز از مرحله اودیپی نقش اساسی دارد. حضور و مشارکت پدر، الگویی را برای پسر فراهم می‌کند تا با آن هم‌ذات‌پنداری کند و به

او کمک می‌کند تا حس مردانگی، اخلاقی و یکپارچگی اجتماعی در حال ظهور خود را هدایت کند. با این نگاه که صفحه‌ی ساعت و عناصرش به شکل نمادین بازتابنده‌ی رخدادهایی است که در متن روایت می‌شوند، می‌توان گفت تلاش احمد برای هل دادن عقربه‌ی کوچک‌تر خودارضایی را تداعی می‌کند. باتوجه‌به استنباط اصلی‌ام که این اثر را روایت ویژگی‌های مرحله‌ی فالیک رشد روانی جنسی و به‌ویژه بزنگاه گذار اودیپی پسرچه‌ای احتمالاً شش ساله می‌بینم، این برداشت هم در چارچوب نظریه‌ی روان‌کاوی دور از ذهن نیست. فروید (۱۹۰۵) در «سه جستار در باب نظریه جنسیت» استدلال می‌کند که خودارضایی بخشی نرمال و طبیعی از تمایلات جنسی کودکان است. او خودارضایی را به‌عنوان «عاملیت اجرایی»^۱ تمایلات جنسی کودکان توصیف می‌کند، یعنی این کار روش ابتدایی کودکان برای کشف بدن خود و ایجاد حس هویت جنسی در آنان است (رک. Freud, 1905: 189).

فروید معتقد بود که انگیزه‌های جنسی کودکان در ابتدا بر بدن آن‌ها متمرکز است و خودارضایی بخشی از این فریند است که در دوره فالیک یا آلتی بروز می‌کند؛ اگرچه او به صراحت نگفته که پس از این مرحله، این کار باید متوقف شود؛ اما فرد برای شکل‌گیری هویت و شخصیت جنسی‌اش باید از این مرحله عبور کند. حال، اینکه احمد عقربه‌ی کوچک را دستکاری می‌کند، می‌تواند چند دلالت داشته باشد: اول اینکه نشان‌دهنده‌ی تلاش پسر برای اعمال قدرت و نفوذ در چارچوب و نظمی است که پدر آن را به پسر گوشزد کرده است. از سوی دیگر، این کار احمد دلالت بر ناشکیبایی او برای تحقق خواسته‌اش در وقت مناسب و مقتضی است. اما برداشت دیگری هم می‌شود از این کار احمد داشت و آن را باتوجه‌به این ویژگی مرحله‌ی فالیک، یعنی کنجکاوی‌های جنسی کودکان در بدن‌شان و به‌ویژه بخش تناسلی، به خودارضایی تعبیر کرد.

در زمانی که احمد عجلولانه منتظر رسیدن ساعت شش است، عقربه‌ی کوچک ساعت را با عقربه‌ی بزرگ مقایسه می‌کند. عقربه‌ی کوچک نماد احمد و عقربه‌ی بزرگ‌تر که سریع‌تر می‌گردد، نماد پدر است و او از حرکت کند عقربه‌ی کوچک ناراضی است و در تصویرگری هم صورت خشمگین او همین را نشان می‌دهد. این خشم به شکل نمادین معطوف به پدر است؛ احمد قبلاً دیده است که پدر ساعت را گاهی کوک می‌کند، اما نگران است که نکند پدر فقط عقربه‌ی بزرگ را کوک کرده باشد (۱۷). پس خودش با هل دادن عقربه‌ی کوچک سعی در رسیدن به چیزی دارد که می‌خواهد. این کار احمد باعث می‌شود عقربه‌ی کوچک از کار بیفتد؛ همین از کار افتادن را هم می‌توان با یکی دیگر از عناصر مفهومی نظریه‌ی روان‌کاوی یعنی اختگی و اضطراب آن پیوند داد. احمد بلافاصله بعد از دستکاری عقربه‌ی کوچک ساعت، یعنی زمانی که تصمیم می‌گیرد بی‌بی را بیدار کند، یاد یکی از قانون‌های پدرش می‌افتد: «پدر احمد به او گفته بود که نباید کسی را ناگهانی بیدار کند» و به‌همین دلیل بی‌بی را «یواش‌یواش» تکان می‌دهد. در واقع پدر حتی زمانی هم که نیست، حضور دارد. قوانین پدر همیشه حاضر هستند و ترس از قدرت پدر همیشه وجود دارد.^(۴)

آنچه فروید اضطراب اختگی می‌نامد را تصویرگری کتاب و در زمانی که خانواده بر سر سفره صبحانه نشستند، می‌توان ردیابی کرد. ابتدا همه چیز طبیعی است تا اینکه اذان پخش می‌شود. چهره‌ی احمد حکایت از رضایت او از قانون‌شکنی‌اش دارد، دست او به سوی سفره دراز شده، چهره‌ی پدر متعجب از اعلام ساعت واقعی از رادیو (۴ و ۲۸ دقیقه) است و دست‌هایش هم پیدا نیست (تصویر ۳). اما وقتی پدر متوجه واقعیت ماجرا می‌شود، این بار چشم احمد

^۱ Executive agency

بسته است و دست‌هایش جمع شده‌اند؛ درحالی‌که چهره پدر خشمگین است و دست او با انگشت اشاره برانگیخته به حالت تهدید و تنبیه پسر بچه بالا رفته است (تصویر ۴). این بار، این حالت دست پدر احمد هم یادآور قانونی است که پیش‌تر معرفی کرده بود و هم یادآور قدرت اخته‌سازی او است.



تصویر شماره‌ی ۴



تصویر شماره‌ی ۳

دست جمع‌شده‌ی احمد که یک بار در مقابل بی‌بی برای اشاره به ساعت (همانندسازی با پدر) بلند شده بود (تصویر ۵) و یک بار برای هل دادن عقربه‌ی کوچک به‌کار رفته بود، حالا و در حضور پدر و در برابر دستی که مقتدرانه و به‌شکل تهدیدآمیزی بلند شده، دیگر دیده نمی‌شود و گویی قطع شده است. در همان تصویر سه و بر دیوار می‌توان عقربه‌ی بزرگتر را دید که چگونه همچون تیغی به عقربه‌ی کوچک نزدیک می‌شود، عقربه‌ی کوچکی که می‌دانیم به‌خاطر فراتر رفتن پسر بچه از حد و حدودش و نقض قانون از کار افتاده و نمی‌تواند حرکت کند. پویایی و حالت تهدیدآمیز عقربه‌ی بزرگ (پدر) در برابر مختل‌شدن عقربه‌ی کوچک (پسر) بازنمایی همان تهدید اختگی و حس اضطراب است. گذر زمان که یادآور کوتاه‌بودن فرصت و نشان‌گر حرکت به سوی مرگ است نیز جنبه‌ی نمادین این اضطراب را یادآوری می‌کند. نکته‌ی جالب توجه در روایت داستان این است که پدر در هنگام خشم، احمد را با یک پرسش خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «فتر عقربه را شکسته‌ای هیچی، اما می‌دونی چه کار بدی کرده‌ای؟» (طائرپور، ۱۳۶۵: ۳۱). این پرسشی است که نه احمد پاسخ می‌دهد و نه پدر آن را برملا می‌کند. این پرسش در متن بی‌پاسخ می‌ماند تا هم احمد و هم مخاطب کودک به‌شکل اضطراب‌آلودی با آن درگیر بمانند. سرزنش‌های پدر در کنار خودسرزنش‌گری احمد چرخه‌ی سرکوب را کامل می‌کند.

چند دلالت دیگر هم می‌توان برای ازکارافتادن عقربه‌ی ساعت در ذهن آورد. اول، این رخداد در روایت می‌تواند دلالت بر خسارتی داشته باشد که تثبیت در مرحله آلتی برای زیست روانی جنسی و اجتماعی فرد می‌تواند با خود به همراه آورد. دلالت بعدی، اهمیت سکون لذت‌جویی‌های کودک و تغییر مسیر کام‌جویی و کامیابی‌های کودک به سوی فعالیت‌های مولدتر تا زمان بلوغ روانی جنسی (ورود به مرحله چهارم رشد، یعنی مرحله نهفتگی). ازکارافتادن (موقتی) عقربه‌ی ساعت که نشان از توقف (موقتی) است، زمان را متوقف نمی‌کند؛ زمان جاری است و این افراد هستند که باید از واقعیت زمان پیروی کنند. عقربه‌ی بزرگ (پدر)، چون به این واقعیت آگاه و تابع آن است هنوز کار می‌کند و این عقربه‌ی کوچک است که بعداً و با تن دادن به قواعد تعمیر (بخوانید جامعه‌پذیر) خواهد شد و به میدان بازی بازخواهد گشت.

۴. ۳. تقابل اصل واقعیت و اصل لذت و ساختار ذهن

بی‌تابی احمد برای فرارسیدن ساعت شش، از نیمه‌های شب آغاز می‌شود و بنابر تصویرگری کتاب ساعت سه و سی دقیقه. هرچند عقربه‌ی بزرگ از عقربه‌ی کوچک گذشته اما هنوز به عقربه‌ی کوچک نزدیک است. احمد وقتی مصمم به دست‌بردن در صفحه‌ی ساعت می‌شود که عقربه‌ی بزرگ در دورترین فاصله از عقربه‌ی کوچک است (تصویر ۶). درگیری احمد با خودش وقتی که در رختخواب و در تاریکی درازکشیده و با وسوسه دست‌کاری کردن ساعت کلنجار می‌رود، نشان از دستگاه سه‌گانه‌ی ذهن فروید (نهاد/ خود/ فراخود) دارد:

با خودش گفت: «باید کاری بکنم که ساعت زودتر شش بشود. چطور است عقربه‌ی کوچک را کمی هل بدهم!... فکر نمی‌کنم کسی بفهمد که من این کار را کرده‌ام، همه خواب هستند و مرا نمی‌بینند». بعد با خود گفت: «نه نباید این کار را بکنم. اگر پدر بفهمد ناراحت می‌شود». انگار دو نفر از توی سر احمد با او حرف می‌زدند. یکی می‌گفت: «این کار را نکن، بچه‌های خوب کارهای یواشکی نمی‌کنند» و آن یکی می‌گفت: «این کار را بکن، کسی نمی‌فهمد» (طائرپور، ۱۳۶۵: ۱۶-۱۷).



تصویر شماره ۶



تصویر شماره ۵

ندای فراخود و خواست نهاد، زمینه‌ی کنش احمد در داستان است و در پایان که خواست او سرکوب می‌شود، درمی‌یابد فراخود چقدر قوی است و برای اجتناب از تنبیه و پذیرفته‌شدن چاره‌ای جز اطاعت از فراخود ندارد. پایان داستان جایی است که احمد زیر پتو خزیده تا کسی اشک‌هایش را نبیند. به یک تعبیر می‌توان پناه‌بردن به زیر پتو را میل احمد به بازگشت احمد به زهدان مادر دانست. اما شواهد دیگری که در بخش بعد بدان اشاره می‌کنم نشان می‌دهد که این تعبیر، با وجود میل احتمالی بدان، چندان با متن نمی‌خواند. خود احمد هم می‌داند که چنین امکانی وجود ندارد. مادر جانب او را نگرفته و فقط به او گفته لباس‌هایش را عوض کند و بخوابد. گریه‌ی او هم به دلیل همین ناممکنی بازگشت است و درمی‌یابد که باید به الزام‌های فراخود تن دهد.

فروید بر این باور بود که توانایی به تأخیر انداختن رضایت، نشانه بالیدگی^۱ در مواجهه با اصل لذت است (رک. Freud, 1920). در پایان داستان نیز احمد می‌آموزد یا بهتر بگوییم ناچار است واقعیت را بپذیرد و برای دستیابی به خواست خود یا ارضای نیازهایش صبور باشد؛ چیزی که فروید از آن با عنوان «تعویق کامروایی»^۲ یاد می‌کند. بنا به نظر فروید «اصل واقعیت، که دنیای بیرونی بر ما تحمیل کرده‌است، ایجاب می‌کند که از ارضای بسیاری از نیازهای

¹ Maturity

² Deferring gratification

خود چشم‌پوشی کنیم و برآورده‌شدن برخی دیگر را به آینده‌ای دور موکول کنیم. از این نظر، امکانات ما برای خوشبختی به‌دلیل ماهیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم محدود شده است» (همان: ۳۵). این یک توانایی و دستاوردی حیاتی برای پسران است که بتوانند از تثبیت اودپی در امان بمانند. به جز فروید، دیگر روانکاوان متأثر از او نیز بر خطیربودن مرحله‌ی اودپی تأکید کرده‌اند. مثلاً ملانی کلاین (۱۹۵۹) معتقد بود اگر تعارضات ادیبی با موفقیت حل نشوند، می‌تواند به احساس مداوم حسادت، رقابت و پرخاشگری منجر شود (رک. Klein, 1959). اریکسون نیز باقی‌ماندن این تعارضات را عامل احساس گناه و بی‌اعتمادی در فرد می‌دانست که بر توانایی فرد برای ایجاد روابط سالم و ایجاد هویتی منسجم تأثیر می‌گذارد (رک. Erikson, 1968). کوهات نیز معتقد بود حل‌نشدن تعارضات ادیبی می‌تواند در مسیر شکل‌گیری خود^۱ و ایجاد یک عزت نفس سالم اختلال به‌وجود آورد (رک. Kohut, 2013).

در اینجا هم مسأله‌ی زمان و وجود ساعت به‌عنوان نماینده‌ی زمان نقش مهمی دارد. حرکت عقربه‌ها و گذر زمان چند چیز را به‌خاطر می‌آورند. نخست، ارتباط زمان با واقعیت مرگ است. حرکت عقربه‌های ساعت و تیک‌تاک لحظه‌ها، اجتناب‌ناپذیربودن مرگ، ماهیت گذرای زندگی و زودگذربودن وجود را به‌خاطر می‌آورد. تیک‌تاک عقربه‌های ساعت می‌تواند حس اضطراب یا فوریت را نیز برانگیزد. آن‌ها می‌توانند نماد فشار زمان، ضرب‌الاجل‌ها و احساس محدودیت در گذر زمان باشند. برای احمد زمان کمی باقی مانده و به‌خصوص زمانی که عقربه‌ی کوچک از کار افتاده و عقربه‌ی بزرگ در حال نزدیک‌شدن به آن است خطیربودن گذر زمان بازتاب بیشتری پیدا می‌کند. ساعت ماهیت چرخه‌ای زمان، منظم‌بودن زندگی روزمره و اهمیت حفظ نظم و انضباط را نشان می‌دهند. اختلال واردکردن در این نظم و ساختار پذیرفتنی نیست. نشانه‌های تمکین به اصل واقعیت از سوی احمد پس از خشم‌گرفتن پدر دیده می‌شوند. پدر خشمگین احمد را با عصبانیت خطاب قرار می‌دهد و احمد به کار خود اقرار می‌کند. راوی از زبان احمد می‌گوید: «احمد سرش را باز پایین انداخت. فکرش را نمی‌کرد که تکان‌دادن آن عقربه‌ی کوچک تنبیل این همه دردسر درست کند. هم از دست عقربه‌ی کوچک ساعت عصبانی بود، هم از دست آن آقای توی رادیو... و هم از دست خودش» (طائرپور، ۱۳۶۵: ۳۲). اینجا احمد خودش را دو جا سرزنش می‌کند یکی به صورت استعاری که نماد نرآندامه او در تصویرگری است و یکی هم خودش را که کار خطایی کرده است، البته او به این دلیل خود را سرزنش می‌کند که به اصلاح «گیرافتاده» است. چند صفحه جلوتر، وقتی احمد به‌کلی از تغییر تصمیم پدر برای تنبیه‌اش ناامید شده، راوی باز از درون ذهن احمد چنین می‌گوید: «احمد فهمید خودش بیشتر از عقربه ساعت و آقای توی رادیو تقصیر دارد» (همان). این یعنی «خود» در ساختار ذهنی احمد در حال محکم‌ترشدن است و بخش فراخود نیز حضور مستحکم‌تری می‌یابد. «خود» در حال قضاوت رخدادها مبتنی بر فراخود و درک اهمیت تعویق خواهش‌ها و کنترل تکانش‌های «نهاد» است. بعد از اینکه احمد در اتاق تنها و زیر لحاف است باز هم حضور معنادار زمان دیده می‌شود. احمد که از صبورنبودن خود ناراحت است با خود فکر می‌کند «حالا داشت فکر می‌کرد تا هفته‌ی بعد چند بار عقربه‌ی کوچک باید از عقربه‌ی بزرگ آویزان شود» (همان). می‌دانیم که پدر کوه‌رفتن را به‌طور موقت لغو کرده و گفته «امروز کوه بی کوه... شاید هفته‌ی دیگر. وقتی صبرکردن را یاد گرفتی» (همان). بنابراین احمد هنوز بخت دست‌یافتن به آنچه تمنا

¹ Self

می‌کند را دارد، اما برای تحقق آن باید صبر کند. اصل واقعیت از اصل لذت جدا نیست، ولی نکته این است که بهترین راه الزاماً کوتاه‌ترین راه نیست و باید صبور بود. جدا از این نکته که احمد می‌آموزد باید از اصل واقعیت پیروی کند تا بتواند از «خود» صیانت کند، اینجا را می‌توان آغاز همان مرحله‌ی نهفتگی نیز دانست. در واقع چیزی به ساعت ساعت شش واقعی نمانده (پایان دوره‌ی فالیک و شروع دوره‌ی نهفتگی)، احمد زیر لحاف است (می‌توان با توجه به کارکردش، آن را دلالتی بر آغاز دوره نهفتگی دانست) و به‌نظر می‌رسد دارد از مرحله‌ی فالیک گذر می‌کند (نشان‌ها و تصاویر نرآندامه هم غائب هستند). با وجود غیاب ساعت، مفهوم زمان و اهمیت آن، هم به‌عنوان مفهومی که دلالت بر نظم و قاعده دارد و هم دلالتی که بر اهمیت سیر زمان‌مند مراحل رشد روانی جنسی کودک دارد، برای احمد به امری جدی تبدیل شده و یادگرفته به آن متعهد باشد. پذیرش او از سوی پدر (نماینده و ضامن قانون، نظم و ساختار اجتماعی) در گرو همین تعهدهاست و احمد یاد گرفته است اگر همچون پدر به این ساختارها و قواعد متعهد باشد می‌تواند، کارکردهای او را هم داشته باشد. نقش پدر خشمگین که منشاء اضطراب اختگی در پسر می‌شود، در این نظام و ساختار نمادین و اجتماعی برای رشد روانی جنسی پسر حیاتی است. تنها بخت پسر برای اینکه جایی در ساختار اجتماعی، طبیعتاً ساختاری مردمحور، داشته باشد این است که به قواعد این ساختار تمکین کند و با شناسایی و تأیید جایگاه پدر بتواند با او در آینده (در مرحله جنسی) همانندی کند.

۴.۴. متنی سراسر مردانه

ارنست جونز^۱ در سال ۱۹۲۷ نخستین بار واژه نرآندامه‌محوری یا فالوس‌محوری^۲ را برای توصیف نظریه‌ی روانکاوی فروید ابداع کرد تا مخالفت خود با نظریه‌ی فروید و به‌ویژه نقش آلت مردانه (و همین‌طور فقدان آن در رشد روانی جنسی زنان) در این نظریه را نشان‌دهد؛ بعدتر نیز فمینیست‌های مختلفی این عبارت را به‌کار گرفتند (رک. Ruthven, 1990). البته کسانی چون ژانت ملکوم نرآندامه‌محوری دیدگاه نظری فروید را در قالب «توصیفی» از این روند می‌دانند و نه «توصیه» به اینکه این روند باید چنین باشد (رک. Malcolm, 1995: 87). فارغ از این بحث‌ها، ماجرای احمد و ساعت سرشار از نشانه‌های این نرآندامه‌محوری است و به‌عبارت دیگر متنی است کاملاً مردانه که در آن زنان ساکت هستند؛ این در حالی است که نویسنده و تصویرگر کتاب، هر دو زن هستند. کل ماجرا توصیف سفری است نرآندامه‌محور که احمد در آغاز آن است و همه‌ی نشانه‌های متن که تا اینجا مرور شد، این نرآندامه‌محوری و مردسالاری را تأیید می‌کنند. جدا از بحث‌های پیشین درباره‌ی زمان، عقربه‌ی ساعت، حالت دستان و همین‌طور تجربه یا امکان تجربه‌ی به‌قله رفتن که همگی از آن پدر احمد و احمد است، نمی‌توان از سهم ناچیز زنان در این کتاب چشم‌پوشی کرد. البته مبتنی بر این تحلیل که رخدادهای متن بازتاب رقابت احمد و پدرش و گذار اودیپی احمد با هدف یافتن جایگاه مردانه‌اش در آینده هستند، حضور کم‌رنگ زنان معنی‌دار می‌شود. وضعیت نشستن خانواده بر سر سفره این مرزبندی را نشان می‌دهد. مادر، مادر بزرگ و سارا در یک سو و احمد و پدرش در سوی دیگر هستند (تصویر ۷). نشانه‌های نرآندامه که در سمت احمد و پدرش نیز این نرآندامه‌محوری را تأیید می‌کند. تقسیم فضای تصویرگری

¹ Ernest Jones

² Phallogocentrism

در دو صفحه و خط جداکننده‌ی دو صفحه‌ی کتاب نیز این مرزبندی را به ذهن می‌آورد.



تصویر شماره‌ی ۷

در همین تصویر، مادر در نقش تأمین‌کننده، بازتاب یافته و در حال تغذیه‌ی سارا است. مادر احمد بعد از بیدار شدن سراغ آماده‌کردن صبحانه می‌رود و اولین جمله‌ای که از زبان مادر می‌شنویم این است: «دیشب تنها شبی بود که سارا برای شیرخوردن بیدار نشد» (طائرپور، ۱۳۶۵: ۲۴). جمله‌ی دوم مادر احمد (از مجموع سه جمله او در کل روایت) هم معطوف به نقش مادری و تغذیه‌کنندگی او برای سارا است؛ وقتی بعد از بیدار شدن سارا می‌گوید: «بالاخره این یکی هم بیدار شد» (همان: ۲۵) و او را می‌آورد تا شیر بخورد. فضا و امکان داشتن «صدا» تنها در اختیار پدر احمد و احمد است، آن‌ها موضوع اصلی روایت هستند و مادر، بی‌بی و طبیعتاً سارا ساکت هستند یا «ساکت شده‌اند. جایگیری مادر، پدر و احمد نیز در این تصویر معنادار است. پدر بین مادر و احمد نشسته و سه‌گانه‌ای که تعارضات اودیپی پسر را ایجاد و در نهایت حل و فصل می‌کند، کامل شده است. اینکه مادر احمد تلاش نمی‌کند پدر را راضی کند تا اشتباه احمد را ببخشد و او را به رختخوابش می‌فرستد، از یک سو با خوانشی که از متن بر اساس نظریه‌ی فروید داریم همخوانی دارد، چون در روند رشد روانی جنسی کودک مادر، ابژه‌ی میل پسر است و از سوی دیگر با خصلت مردم‌محورانه نظریه‌ی فروید نیز تطبیق پیدا می‌کند. در مجموع، این اثر نوع خاصی از اجتماعی‌شدن را از خلال فرایندهای سرکوب و پذیرش هنجارهایی مردم‌محور را بازنمایی و فراتر از آن، بازتولید می‌کند.»^(۵)

۵. نتیجه‌گیری

خوانش روان‌کاوانه‌ی ماجرای احمد و ساعت نشان می‌دهد که چگونه مسأله‌ی جنسیت و امر جنسی می‌تواند در لایه‌های مختلف زیرین متن وجود داشته باشد. چنین خوانشی کمک می‌کند دریابیم چگونه برخی کتاب‌های ادبیات کودکان شکل خاصی از امر بهنجار و شیوه‌ی مطلوب اجتماعی‌شدن را بازتولید و به کودکان منتقل کنند. چنین کتاب‌هایی در دوره‌های مختلف کوشیده‌اند مفهوم «کودک خوب» را آن‌چنان که مطلوب بزرگسالان بوده است، بازنمایی کرده و آن را تقویت کنند. در کنار چنین یافته‌هایی، می‌توان از لذتی سخن گفت که در دیدار متن و نظریه برای منتقد یا فرد علاقمند به ادبیات کودک پدید می‌آید. در این دیدار هم متن، نظریه را می‌خواند و هم نظریه، متن

را. گویی جدای از آنچه به عنوان خوانش نظری متن ادبیات می‌نامیم، متن نیز در دیدار با نظریه لایه‌هایی از خود را می‌کاود، اما هیچ قطعیت و تمامیتی وجود ندارد. چنان‌که مگیلیس می‌گوید، لطف ادبیات در این است که «همواره خاموش، آرام، مرموز و غریب باقی می‌ماند» (مگیلیس، ۱۳۹۵: ۱۶۹) و اگرچه به قول او، این منتقد و نظریه‌پرداز است که در متن پرسه می‌زند و آشکار می‌سازد، اما ارتباط گریزناپذیر میان نظریه و نقد، چیزی است رازآلود. از این‌روست که در دیدار متن و نظریه، هم آشکار شدن هست و هم پنهان شدن؛ در این دیدار هریک خود را بهتر می‌شناسند.

یادداشت‌ها

- (۱). Sublimation یکی از مکانیزم‌های دفاعی است که بر اساس آن شخص می‌کوشد امیال (جنسی و پرخاشگرانه) و خواسته‌های نامقبول و ناپسند خود را به شکلی درآورد که دیگران آن را بپذیرند و تشویق کنند.
- (۲). از میان این سه اثر موریس سنداک، سفر به سرزمین وحشی‌ها با نام اصلی *Where the Wild Things Are* (1963) به فارسی برگردان شده است ولی *Outside over There* (1981) و *In the Night Kitchen* (1970) به فارسی ترجمه نشده‌اند.
- (۳). کتاب جنبش نمادگرایی در ادبیات نوشته آرتور سایمونز (۱۸۹۹[۲۰۱۴])، تصویرسازی نرآندامه را بازنمایی فالوس یا نرآندامه به‌عنوان نماد یا استعاره در آثار هنری و ادبی مختلف توصیف می‌کند. سایمونز به بررسی استفاده از نمادگرایی در جنبش ادبی اواخر قرن نوزدهم معروف به سمبولیسم می‌پردازد که بیشتر از تصاویر نرآندامه به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان خواسته‌ها و ترس‌های پنهان یا ناخودآگاه استفاده می‌کرد. همچنین براساس فرهنگ *واژه‌های ادبی راتلج* (چایلدز و فاولر، ۲۰۰۶)، تصویرسازی نرآندامه یا بازنمایی‌های نمادین مرتبط با جنسیت، قدرت و تسلط مردانه در آثار هنری و ادبی اشاره دارد و اغلب برای برانگیختن مضامین میل، باروری، قدرت یا پرخاشگری استفاده می‌شود. نمادها یا تصاویر نرآندامه ممکن است اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله تصاویر صریح اندام تناسلی مردانه، اشیاء و سوسه‌انگیز یا نمایش‌های نمادین مانند برج‌ها، ستون‌ها یا سلاح‌ها.
- (۴). در اندیشه‌ی ژاک لکان، پدر استعاری جای پدر خشمگین فروید را می‌گیرد و لکان آن را «نام پدر» یا «قانون پدر» می‌خواند؛ همچنین ترس از اختگی توسط پدر جایش را به ترس بیرون ماندن از ساختار نمادین زبان می‌دهد (رک. موللی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۱).
- (۵). مرتضی خسرونژاد (۱۳۹۰) در مجموعه *داستان‌های فکری*، داستانی دارد با نام *خورشید توی آسمون و خورشید توی دل من*، که مبتنی بر بحث‌هایی چون بینامتنیت و ادبیات تطبیقی، می‌توان آن را واکنشی انتقادی و خلاقانه دانست؛ به همین ماجرای احمد و ساعت. در این اثر، شخصیت اصلی دختری است به نام غزاله که به شکلی کنش‌گرانه در گفت‌وگو با مادر و پدرش درک خود از زمان را شکل می‌دهد. در این داستان اثری از اقتدار مردم‌محورانه نیست و زمان نیز ماهیتی سیال می‌یابد. خزایی (۱۳۹۲) مقاله‌ای خواندنی بر این اثر نوشته که با گلچینی از رویکردهای نظری متن اثر خسرونژاد را بررسی کرده‌است.

منابع

- اتکینسون، ریتا، ل. و همکاران. (۱۳۸۱). *زمینه روان‌شناسی*. ج ۲، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران: رشد.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۰). *پیش‌درآمدی به نظریه ادبی*. ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: مرکز.
- پروچاسکا، جیمز، ا. و نورکراس، جان، سی. (۱۴۰۱). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، تهران: رشد.
- حسینی، مریم و عظیمی، مرضیه. (۱۳۹۵). «تحلیل قصه‌های پریان ایرانی بر اساس آرای بتلهایم». *فرهنگ و ادبیات*

- عامه، سال ۴، شماره‌ی ۹، صص ۱۰۳-۱۲۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23454466.1395.4.9.8.1>
- خزایی، داوود. (۱۳۹۲). «غزالی خورشید: نگاهی به نظریه و دنیای متن، همراه با دیگرخوانی قصه‌ی خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من». *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۴، شماره‌ی ۲، صص ۱۹-۵۲.
- <https://doi.org/10.22099/jcls.2014.1146>
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۹۰). *داستان‌های فکری: مجموعه ده داستان تصویری*. مشهد: به‌نشر.
- رز، ژاکلین. (۱۴۰۰). پیتز پن و فروید: کیست که سخن می‌گوید و روی سخنش با کیست؟ ترجمه‌ی الهام فروزنده، در *دیگرخوانی‌های ناگزیر*. مرتضی خسرونژاد (ویراستار)، صص ۲۲۱-۱۷۷. تهران: کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان.
- شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی آلن. (۱۴۰۰). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- فروید، زیگموند. (۱۳۸۲). رؤس نظریه روان‌کاوی. ترجمه‌ی حسین پاینده، *ارغنون*، شماره ۲۲، صص ۷۴-۱.
- کارور، چارلز اس. و شی‌یر، مایکل ف. (۱۳۸۷). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- طائرپور، فرشته. (۱۳۶۵). *ماجرای احمد و ساعت*. (تصویرگر، مهرنوش معصومیان). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- مگیلیس، رادریک. (۱۳۹۵). «نقد، نظریه ادبیات است، نظریه، نقد ادبیات است». ترجمه‌ی امین ایزدپناه، *نارنج*، سال ۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۴۵-۱۷۰.
- موللی، کرامت‌الله. (۱۳۸۴). *مبانی روان‌کاوی فروید - لکان*. تهران: نی.
- واعظی دهنوی، نجمه و همکاران. (۱۳۹۶). «بررسی افسانه دژ هوش‌ریا بر مبنای نظریه برونو بتلهایم». *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۸، شماره‌ی ۲، صص ۱۴۳-۱۶۰. <https://doi.org/10.22099/jcls.2016.3925>
- Abrams, M. H. (1993). *A glossary of literary terms* (6th Ed). Florida: Harcourt Brace College Publishers.
- Buckley, C.G. (2015). Psychoanalysis, "Gothic" Children's Literature, and the Canonization of *Coraline*. *Children's Literature Association Quarterly* 40(1), 58-79. <https://dx.doi.org/10.1353/chq.2015.0008>
- Childs, P., & Fowler, R. (Eds.). (2006). *The Routledge dictionary of literary terms*. Routledge.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. W. W. Norton & Company.
- Freud, S. (1905). Three essays on the theory of sexuality. *Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*. Vol. 7, pp. 125-245. London: Hogarth Press.
- Freud, S. (1920) Beyond the pleasure principle. *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud* (Trans. Strachey, J.). London: The Hogarth Press and the Institute of Psycho-analysis, Volume 14, pp. 1-64.
- Freud, S. (1923). *The Ego and the Id*. *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*, Volume XIX (1923-1925): The Ego and the Id and Other Works, 1-66.
- Freud, S. (1961). *Civilization and its discontents*. W. W. Norton & Company.
- Freud, S. (1969). *An outline of psychoanalysis*. (J. Strachey, Trans.). Norton.

- Gooding, R. (2008). 'Something Very Old and Very Slow': Coraline, Uncanniness, and Narrative Form. *Children's Literature Association Quarterly* 33 (4), 390–407. <https://dx.doi.org/10.1353/chq.0.1874>
- Guerine, W. L., et al (2005). *A handbook of critical approaches to literature*. Oxford: Oxford university press.
- Hollands, N. (1968). *Dynamics of literary response*. New York: Oxford University Press.
- Kidd, K. B. (2011). *Freud in Oz: At the Intersections of Psychoanalysis and Children's Literature*. Minneapolis: University of Minnesota.
- Klages, M. (2006). *Literary theory: A guide for the perplexed*. New York: Continuum international publishing group.
- Klein, M. (1959). *The psychoanalysis of children*. The Hogarth Press.
- Kohut, H. (2013). *The analysis of the self: A systematic approach to the psychoanalytic treatment of narcissistic personality disorders*. University of Chicago Press.
- Malcolm, J. (1995). *The silent woman*. New Yorker Magazine Incorporated.
- McGillis, R. (1998). The Delights of Impossibility: No Children, No Books, Only Theory. *Children's Literature Association Quarterly*, Volume 23 (4), 202-208. <https://dx.doi.org/10.1353/chq.0.1257>
- Rollin, L. (2008). Childhood Fantasies and Frustrations in Maurice Sendak's Picture Books. In Lucy Rollin & Mark, I. West (Eds.) *Psychoanalytic Responses to Children's Literature*, (pp.79-89). Jefferson, N.C.: McFarland
- Rollin, L. & West, M. I. (2008). *Psychoanalytic responses to Children's literature*. McFarland and Company Inc. Publishers.
- Rudd, D. (2008). An Eye for an I: Neil Gaiman's Coraline and Questions of Identity. *Children's Literature in Education*. 39 (3), 159–68. <https://dx.doi.org/10.1007/s10583-008-9067-7>
- Ruthven, K. K. (1990). *Feminist literary studies: an introduction*. Cambridge University Press.
- Symons, A. (2014). *The symbolist movement in literature*. Carcanet.
- West, M. I. (2008). Pinocchio's Journey from pleasure principle to Reality Principle. In Lucy Rollin & Mark, I. West (Eds.) *Psychoanalytic Responses to Children's Literature*. (pp. 65-70). McFarland.